

قلمروهای شبه خصوصی و حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی غیررسمی (مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت و محوطه دور استخر لاهیجان)^۱

فاطمه سمیع پور^{*}، مصطفی پورعلی^{**}، مرضیه کاظم زاده^{***}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر در پی دستیابی به ویژگی‌هایی در فضاهای جمعی است که مطابق با نیازها و رفتار قلمروی زنان بوده تا از این طریق فضا برای آنان حضورپذیرتر شود. پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و شکل‌گیری ادبیات تحقیق، از مطالعات میدانی و روش‌های کیفی همچون مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و روش زمینه‌ای جهت رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شده است. تحلیل کیفی یافته‌ها نیز در روش زمینه‌ای به صورت کدگذاری انجام گرفته است. بر این اساس مفهومی با عنوان «قلمروهای شبه خصوصی» تعریف گردیده است که از ویژگی‌های آن می‌توان به محدودیت نسبی رؤیت‌پذیری، خلوت نسبی و دنج بودن نسبی اشاره نمود. قلمرو شبه خصوصی، قلمروی نیمه عمومی نیمه خصوصی است که ضمن قرارگیری در یک عرصه عمومی، با داشتن بخشی از ویژگی‌های قلمروهای خصوصی و شباهت به آنان از عمومیت کمتری برخوردار است. برای اثبات مفهوم تبیین شده در این مقاله، بررسی نظرات و رفتارهای طیف مختلف زنان در رابطه با شاخص‌های فضایی مؤثر بر حضورپذیری آنها در فضاهای جمعی انجام شده است و به منظور پایایی نظریه، مباحث در دو فضای جمعی واقع در میدان شهرداری رشت و محوطه دور استخر لاهیجان مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج، ضمن تأیید ویژگی‌های برشمرده شده، تأکید دارد که وجود این قلمروها ضمن تناسبی که با رفتار قلمروی زنان دارند، بر ارتقای حضورپذیری آنان در فضاهای جمعی غیررسمی مؤثرند.

واژگان کلیدی

فضای جمعی، غیر رسمی، حضور پذیر، بانوان، قلمرو شبه خصوصی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «قلمروهای شبه خصوصی و حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی غیررسمی» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت است.

* گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

** استادیار گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

fati_samipour@yahoo.com

pouralii.mostafa@yahoo.com

marzie.kazemzade@yahoo.com

مقدمه

زنان به عنوان جزئی از اجتماع و موجودی اجتماعی، به مکان‌هایی امن به غیر از خانه و محل کار در فضای شهری نیازمند هستند تا با هم‌نوعان خود به گفتگو، دیدار و تعاملات اجتماعی بپردازند. پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی آنها و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی‌شان، مستلزم وجود فضاهای جمعی و عمومی است. عرصه‌هایی که حضورشان به منظور تقویت جامعه مدنی^۱ نیازمند تقویت هستند و چنین عرصه‌هایی باید قابلیت حضور و فعالیت زنان را داشته باشند (رضازاده و محمدی، ۱۳۹۱). به تعبیر الدنبرگ^۲ جامعه‌شناس آمریکایی، فضاهای عمومی به عنوان فضای جمعی غیر رسمی^۳ امکان دیدار، مراوده با دوستان، همسایگان، همکاران و حتی غریبه‌ها را فراهم می‌آورد (Oldenburg, 1999) و از اینرو ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات زنان را در جوامع شهری دارا می‌باشد. افراد با ویژگی‌های مختلف سنی، جنسی و... باید بتوانند با حضور در این فضاهای اجتماعی، خواسته‌ها و فعالیت‌های مورد نیازشان را برآورده سازند و بالطبع زنان به عنوان بخشی مهم از اجتماع باید امکان حضور در چنین فضاهایی و بهره‌برداری از آن را داشته باشند. برنامه‌ریزی‌ها و طراحی فضاهای موجود بدون در نظر گرفتن نیازهای زنان به طور خاص و ابعاد اجتماعی آنها انجام شده و این خود می‌تواند از دلایل و عوامل محدودیت حضور زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی باشد.

نوشتار حاضر برگرفته از پژوهشی است بر این اساس که با مطالعه رابطه بین ویژگی‌های کالبدی فضاهای جمعی و زمینه‌های روانی- اجتماعی و رفتاری زنان، علی‌الخصوص رفتار قلمروی آنان، به معرفی شاخصه‌هایی جهت ارتقای حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی می‌پردازد. در این راستا؛ با شناخت نیازها و ویژگی‌های رفتاری زنان در فضاهای جمعی به شناسایی مفهوم و مؤلفه‌های قلمروهای شبه خصوصی در ارتباط با آن و تأثیر وجود قلمروهای شبه خصوصی در فضاهای جمعی غیر رسمی می‌پردازد. پرسش اصلی تحقیق را به این صورت می‌توان مطرح نمود: میزان حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی چه ارتباطی با رفتارهای قلمروی آنها دارد؟ قلمروهای شبه خصوصی چه نوع قلمروهایی هستند و تأثیر آنها بر افزایش حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی چیست؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

در راستای موضوع پژوهش، تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. رفیعیان، رضازاده، سیفایی و احمدوند (۱۳۸۷) به سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد. رضازاده و محمدی (۱۳۸۸) به بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته‌اند. آنها محدودیت‌های زنان را که شامل محدودیت‌های ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری است و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر گذارند را مورد بررسی قرار می‌دهند. کاظمی، حبیب و اسلامی (۱۳۹۳) در رویکردی تحلیلی نیازهای روانی و رفتاری زنان و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک) را مورد مطالعه قرار داده‌اند. که به استخراج شاخص‌هایی نظیر تأمین حس تسلط فضایی، سهولت دسترسی و تفکیک فضایی قلمروها منجر گردید. به طوری که رعایت آنها در طراحی فضای پارک‌ها باعث بهبود کیفیت و افزایش مطلوبیت فضا با توجه به گروه هدف (زنان) خواهد شد. پورحسین روشن، پورجعفر و صارمی (۱۴۰۰) با هدف تبیین کیفیات موجود در فضاهای شهری خاص (بقاع متبرکه) و مؤلفه‌های موجود در آنها از منظر نظام ادراکی- معنایی بانوان، به تبیین ویژگی‌هایی جهت حضور مطلوب بانوان در فضاهای مختلف پرداختند. لذا با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای نشان دادند که هشت مؤلفه ناظر کل، احترام به فضا، قلمرو ذهنی پنهان فضا، ترس از انجام خطا، امید به تشویق، بعد آموزش محور فضا و محرمیت به عنوان قدرت‌های مؤثر برافزایش حضورپذیری زنان مؤثرند. وایو و لایکوجیانی^۴ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «زنان، محله‌ها و زندگی روزمره»، زندگی روزمره در محله‌های شهری را از دیدگاه زنان بررسی می‌کنند، هدف این پژوهش، اشاره به زندگی روزمره به عنوان یک مفهوم است و به محله به عنوان زمینه و بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می‌کند که بهتر است طراحی زنانه در آن صورت پذیرد. جانسون و مایلز^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی از طریق روش تحقیق کیفی و پدیدارشناسی، به تجربه‌های حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته‌اند که نتایج آن نشان داد که علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضورپذیری زنان تأثیرگذار بود. بیبیجون^۶ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره» بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد. از نظر او با وجود اینکه برنامه ریزان در دهه‌های اخیر

توجه خود را به حق شهر معطوف کرده اند اما حقوق زنان و به طور خاص، تجارب روزانه آنها به صورت مستقل و جداگانه مورد بحث نبوده و در طراحی فضاهای شهری به آن توجه نشده است.

با بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده در طی سالهای گذشته، می‌توان گفت تحقیقاتی پیرامون حضورپذیری فضاهای عمومی و ویژگی‌های فضایی مورد نیاز جهت حضورپذیری این فضاها انجام گرفته است، اما این بحث که چگونه، فضایی این قابلیت را برای زنان داشته و به طور ویژه مرتبط با بحث قلمروها و رفتار قلمروی آنان باشد، مورد پژوهش واقع نشده است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه روانشناسی شناختی توسط پیز^۷ و پیز^۸ (۲۰۰۱)، ورنون^۹ (۱۹۶۲) و سایر مطالعات انجام شده پیرامون سوابق موضوع نشان می‌دهد؛ در فرایند ادراک محیط و نتایج آن، بین زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد و دارای ویژگی‌های رفتاری و نیازهای متفاوتی در ارتباط با محیط هستند.

جدول ۱. مروری بر مطالعات انجام شده در خصوص موضوع پژوهش

محقق	دیدگاه مطرح شده	عنوان پژوهش
رفعیان، رضازاده، سیفایی و احمدوند (۱۳۸۷)	از نظر زنان اجتماع پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد.	سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان)
رضازاده و محمدی (۱۳۸۸)	محدودیت‌های تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری دامنه وسیعی از محدودیت‌های کالبدی- اجتماعی را دربرمی‌گیرد.	بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری
کاظمی، حبیب و اسلامی (۱۳۹۳)	وجود شاخص‌هایی نظیر تامین حس تسلط فضایی، سهولت دسترسی و تفکیک فضایی قلمروها و... و رعایت آن‌ها در طراحی فضای پارک‌ها باعث بهبود کیفیت و افزایش مطلوبیت فضا با توجه به گروه هدف (زنان) خواهد شد.	رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک)
پورحسین روشن، پورجعفر و صارمی (۱۴۰۰)	هشت مؤلفه ناظر کل، احترام به فضا، قلمرو ذهنی پنهان فضا، ترس از انجام خطا، امید به تشویق، بعد آموزش محور فضا و محرمیت به عنوان قدرت‌های مؤثر برافزایش حضورپذیری زنان مؤثرند.	تبیین و بازتولید قدرت‌های مؤثر بر افزایش کیفیت حضورپذیری بانوان با رویکرد ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی: فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه)
Vaiou & Lykogianni, 2006	به محله به عنوان زمینه و بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می‌کند که بهتر است طراحی زنانه در آن صورت پذیرد.	زنان، محله‌ها و زندگی روزمره
Johnson & Miles, 2014	علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضورپذیری زنان تأثیرگذار بود.	به سوی فضاهای عمومی فراگیر: یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک
Beebejaun, 2017	با وجود اینکه برنامه‌ریزان در دهه‌های اخیر توجه خود را به حق شهر معطوف کرده‌اند اما حقوق زنان و به طور خاص، تجارب روزانه آنها به صورت مستقل و جداگانه مورد بحث نبوده و در طراحی فضاهای شهری به آن توجه نشده است.	جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره

حضورپذیری: حضورپذیری را می‌توان ایجاد زمینه لازم برای حضور افراد از قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی معنا کرد که می‌تواند امکان وقوع فعالیت و رفتارهای متنوع را در فضا فراهم سازد. فضای شهری مانند صحنه ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن انجام می‌گیرد (Sweet & Ortiz, 2015). بنابر این همیشه باید یک فضای شهری ظرفیت تجربه شدن، شکل‌گیری فعالیت‌ها و بروز رفتارهای متنوع را داشته باشد. برای فعالیت‌های شهری مختلف می‌توان دسته بندی‌های متفاوتی را قائل شد. مثلاً از لحاظ جبری و اختیاری بودن انجام فعالیت، شامل سه دسته فعالیت‌های اختیاری، اجباری و اجتماعی می‌باشند. فضای عمومی شهری باید امکان ایجاد فعالیت‌های اختیاری مانند قدم زدن برای تنفس هوای پاکیزه، ایستادن با هدف لذت بردن و یا نشستن و... و اجتماعی مانند احوالپرسی و گفتگو، دیدن و

شنیدن دیگران و... را فراهم آورد. بدین مفهوم که فضاهای عمومی شهری باید پتانسیل حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را نه تنها با هدف پاسخگویی به نیازهای ضروری فراهم آورد بلکه باید عرصه‌ای برای برقراری روابط اجتماعی و لذت از حضور در فضا را فراهم نماید. نتیجه و فرایند این، ایجاد و گسترش تعاملات اجتماعی و حیات جمعی در فضاهای شهری است (بهزادفر، جلیلی صدرآباد و جلیلی صدرآباد، ۱۳۹۳: ۹۹). بررسی جایگاه مفهوم فعالیت در رابطه با فضای شهری در خصوص گروه اجتماعی زنان، در واقع پیوندی میان مباحث بیولوژیک و مباحث اجتماعی است. چرا که موضوع جنسیت برگرفته از تفاوت‌های بیولوژیکی در تلفیق با ساختارها و نقش‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی است (حاجی احمدی همدانی، ماجدی و جهانشاهلو، ۱۳۹۴: ۴۹). لذا مفهوم "حضورپذیری" در این پژوهش به معنای ایجاد زمینه برای حضور اختیاری افراد (به طور ویژه برای زنان) در محیط است که این مهم، در محیط دارای کیفیت بالا که متناسب با نیازها و ویژگی‌های رفتاری افراد از قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی ایجاد شده، به دست می‌آید.

فضاهای عمومی جمعی: فضاهای عمومی جمعی یک قسمت حیاتی از زندگی روزانه ما را در شهرها تشکیل می‌دهند. جایی که در آن مردم با یکدیگر روابط تعاملی برقرار می‌کنند و مفهوم شهروندی معنا می‌یابد. به عبارتی می‌توان گفت که، هر جایی که ما را از زندگی روزانه کاری دور کند فضای عمومی جمعی است.

فضاهای عمومی آن دسته از فضاها می‌باشند که عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و ... حق ورود و حضور در آنان را دارند. فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین، بازارها و مساجد و ... این دسته از فضاها به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می‌باشند. از اینرو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶: ۲۶). لیپتون^{۱۱} فضای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی»^{۱۱} و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه»^{۱۲} تعریف می‌کند (Lipton, 2003: 1). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که ما با غریبه‌ها شریک می‌شویم، مردمی که اقوام یا دوستان و همکاران ما نیستند. آنها فضایی برای فعالیت‌های سیاسی، اعمال مذهبی، تجارت، بازی و غیره هستند. فضایی برای همزیستی با صلح و برخورد‌های غیرشخصی. شخصیت فضای عمومی، زندگی عمومی ما، فرهنگ شهر و زندگی روزمره ما را نشان داده و تنظیم می‌کند (Walzer, 1986: 470). فضای عمومی را بستر مشترکی که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند، می‌دانند چه این فعالیت‌ها روزمره و معمولی و چه جشنواره‌ای و دوره‌ای باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی صحنه‌ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد (رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۵).

فضاهای عمومی، در دسترس برای همه خارج از نوع نژاد، سن و جنس هستند و بنابراین آنها یک محل اجتماعی دموکراتیک برای شهروندان و جامعه را نمایش می‌دهند. اگر این فضاها بطور شایسته طراحی و مراقبت شوند باعث نزدیکی بیشتر افراد با یکدیگر شده، مکان‌هایی برای میتینگ بوجود آورده و روابط اجتماعی را که در بسیاری از مناطق شهری از بین رفته تقویت می‌کنند. این مکان‌ها یک هویت فرهنگی را برای منطقه شکل می‌دهند و به عنوان قسمتی از ویژگی بی‌نظیر آن منطقه، حس مکانی را برای جوامع محلی بوجود می‌آورند (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶: ۳۴).

الدبرگ در تعریف خود از فضاهای عمومی، اصطلاح مکان سوم^{۱۳} را مطرح می‌کند که به عنوان یک پناهگاه در برابر خانه و محل کار تعریف می‌شود؛ جایی که مردم می‌توانند به طور منظم به آنجا سرزنند و با دوستان، آشنایان، همسایه‌ها، همکاران و حتی غریبه‌ها ارتباط برقرارکنند و تعامل داشته‌باشند (Mehta & Bosson, 2010: 780). افراد با ویژگی‌های مختلف سنی و جنسی و... می‌توانند با حضور در این فضاهای اجتماعی، خواسته‌ها و فعالیت‌های مورد نیازشان را برآورده‌سازند و بالطبع زنان به عنوان بخشی از اجتماع باید امکان حضور در چنین فضاهایی و بهره‌برداری و استفاده از آن را داشته‌باشند (Carmona, Heath, Oc & Tiesdell, 2003: 109).

بنابراین مکان سوم‌ها به عنوان فضاهای جمعی غیر رسمی در عرصه‌های عمومی، به دلیل داشتن پتانسیل مدنظر، برای انجام این پژوهش و در راستای هدف تحقیق (بررسی رفتار قلمروپایی زنان در فضاهای جمعی) انتخاب شده‌اند.

قلمرو و قلمروی: کنترل مستمر بر بخش‌های خاصی از فضای کالبدی توسط فرد یا یک گروه منجر به شکل‌گیری قلمرو می‌گردد (اپاپورت، ۱۳۸۸). لئون پاستالان^{۱۴} قلمرو مکانی انسان را اینگونه تعریف می‌کند: «قلمرو مکانی، فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده می‌کنند. (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۶۷). و طبق تعریف آلمن^{۱۵} (۱۹۷۵) رفتار قلمروپایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی سازی یا نشانه گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا یک گروه بیان می‌شود. (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

آلتن (۱۹۶۵) سه نوع قلمرو را توصیف می‌کند: قلمرو اولیه، ثانویه و عمومی. قلمروهای اولیه تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است و نظارت بر ورود دیگران در آن ارزش بسیاری دارد. قلمرو ثانویه کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و محدوده ای است که فرد یا گروه بر آن حق نظارت و مالکیت دارد، البته نه به اندازه قلمرو اولیه. قلمرو عمومی قلمرویی موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده دارد. لازم به ذکر است که می‌توان قلمرو عمومی را طوری سامان داد که قلمرو ثانویه به حساب آید. برخی از این تمهیدات عبارتند از: تفکیک محوطه ها، ایجاد مناطق و محدوده‌های کوچکتر در مجتمع ها، ساختن ورودی‌های نیمه خصوصی، استفاده از علائم نمادین مثل دیوار، حصار و غیره (آلتن، ۱۳۸۲: ۱۴۲). حسین الشرکawy (۱۹۷۹) نیز قلمرو مکانی را در چهار گونه تحت عناوین: قلمرو پیوسته، مرکزی، حامی، پیرامونی تشریح کرده است. قلمرو پیوسته «حباب فضایی» متعلق به فرد است. قلمروهای مرکزی مکان‌هایی چون خانه، اتاق دانشجوی، فضای کار شخصی هستند که به شدت شخصی می‌شوند؛ افراد از این مکان‌ها به شدت محافظت می‌کنند. اسکار نیومن (۱۹۷۲، ۱۹۷۹) این مکان‌ها را فضای خصوصی نامیده است. قلمروهای حامی، نیمه خصوصی یا نیمه عمومی هستند. قلمروهای پیرامونی نیز همان فضاهای عمومی اند (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱).

اساساً تفکیک محیط زندگی به شکل خطی و منقطع بین عرصه های خصوصی و عمومی شاید چندان گویای روابط پیچیده افراد در محیط‌های اجتماعی و معماری نباشد، هرچند از مؤلفه های کلیدی است که چگونه اجتماع خود را سازماندهی کنیم. تفکیک فضا و اجتماع به عرصه های عمومی و خصوصی بر حالت روحی افراد تأثیر می‌گذارد، به رفتار وی نظم می‌بخشد. در عین حال، جداسازی قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر مطلق نبوده و نسبت به تعداد افراد، اندازه مکان و مدت تصرف آن متغیر است و به عبارت دیگر، وابسته است به شرایط جامعه، فضا و زمان. قلمروهای خصوصی و عمومی به جای دوگانگی مطلق، طیفی خاکستری را تشکیل می‌دهند؛ محدوده های آنها به جای آنکه مقدس و طبیعی باشند، توسط جامعه شکل گرفته و قابل نفوذند (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۸۷).

از زاویه ای دیگر و با نگاه جنسیتی به فضا نیز، از دیدگاه هانا آرنت (Arendt, 1998) ساحت خصوصی مکان برآوردن ضرورت‌های زیستی بدن بیولوژیک انسان و در نتیجه ساحتی غیرسیاسی است؛ درمقابل، ساحت عمومی عرصه‌ای است مبتنی بر تعامل، مباحثه و تصمیم‌گیری میان شهروندان آزاد و برابر در مورد مسائل مشترک شان. او به تمایز میان حوزه عمومی و حوزه خصوصی یا همان دویارگی سنتی میان مرد - زن / شهروند - برده معتقد است که در آن، کار زنان تا حد حوزه پیش پا افتاده خصوصی فروکاسته می‌شود؛ و کار مردان تا حد حوزه متعال عمومی ارتقاء می‌یابد (سرخوش، ۱۳۹۲: ۹۸ و ۹۳). در این راستا نانسی دانکن^{۱۶} در پژوهش خود^{۱۷} اشاره می‌کند که دوگانه فضایی عرصه عمومی - خصوصی به سرکوب زنان مشروعیت می‌بخشد و این دوقطبی کردن فضا برای قانونمندسازی به حاشیه راندن زنان است و او فضاهای دوگانه عمومی و خصوصی را برهم می‌زند و فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی را به جای آنان پیشنهاد می‌کند (اسدی محل چالی، پیربابایی و مقصودی، ۱۳۹۸: ۲۲).

نیازها و ویژگی‌های رفتاری (رفتار قلمروی) زنان در فضاهای جمعی: هایدن^{۱۸} (۱۹۸۴)، معتقد است که الگوهای رفتاری زنان و مردان در مکان‌ها و فضاهای شهری یکی نبوده و به همین دلیل نمی‌توان با شیوه ای یکسان به نیازهای آنان پاسخ گفت (حبیبی و علی پور شجاعی، ۱۳۹۴: ۱۸). زنان خصوصیات بیولوژیک، نیازها، مسئولیت‌ها و نگاه‌های متفاوتی در مقایسه با مردان دارند که در ارتباط آنها با فضا تأثیر می‌گذارد و می‌تواند رفتارهای محیطی متفاوتی را منجر شود. بعضی از مطالعات نشان می‌دهند که تصور زنان از محیط با تصور مردان متفاوت است. در نحوه ارتباط با محیط نیز تفاوت‌هایی بین آنان وجود دارد و همچنین نیازهای متفاوتی درتقابل با محیط دارند. به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها بیشتر به دلیل نقش‌های اجتماعی مختلف باشد نه تفاوت‌های زیست شناختی (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

از لحاظ روانشناختی زنان توجه بیشتری به جزئیات محیط اطراف خود دارند. بنابراین در محیطی با جزئیات بیش از حد، بیشتر احساس سردرگمی می‌کنند. پس لازم است محیط پیرامون را کم جزئیات نگه داشت تا زیادی اطلاعات موجب سردرگمی نشود (بمانیان، رفیعیان و ضابطیان، ۱۳۸۸: ۳۴). آنان در محیط‌های شلوغ بیش از مردان انرژی مصرف نموده و زودتر خسته و عصبی می‌شوند (مجد، ۱۳۸۵: ۵۱). به نحوی که حساسیت بیشتر آنها نسبت به صدا باعث می‌شود تا در مقابل پاسخ به انواع محرک‌های شنوایی انرژی بیشتری را صرف کنند. از این رو توجه زیاد آنها به جزئیات، سبب می‌شود تا زنان در اثر موضوعات زیاد، ذهن شلوغی پیدا کنند. به همین علت در هنگام شنیدن صداهای پراکنده محیط زودتر عصبی می‌شوند و بیشتر به فضاهای کم سر و صدا علاقه مند هستند. با توجه به این ویژگی، محرک‌هایی نظیر آلودگی صوتی و بصری و انواع بی‌نظمی‌های محیطی تأثیر بیشتری بر زنان داشته و آنان را بیشتر آزار می‌دهد (فریدطهرانی، ۱۳۹۰: ۲۱). علاوه بر آن حس جهت یابی زنان، چندان قوی نیست؛ درحالی‌که مردان به دلیل تجسم فضایی بهتر، قادرند به خوبی نقشه شناختی، موقعیت خود و عناصر مهم را نسبت به هم بیابند. برای کاهش ضعف خانم ها، باید برای جهت یابی خانم‌ها از نشانه‌های شاخص استفاده نمود (پاکزاد و بزرگ،

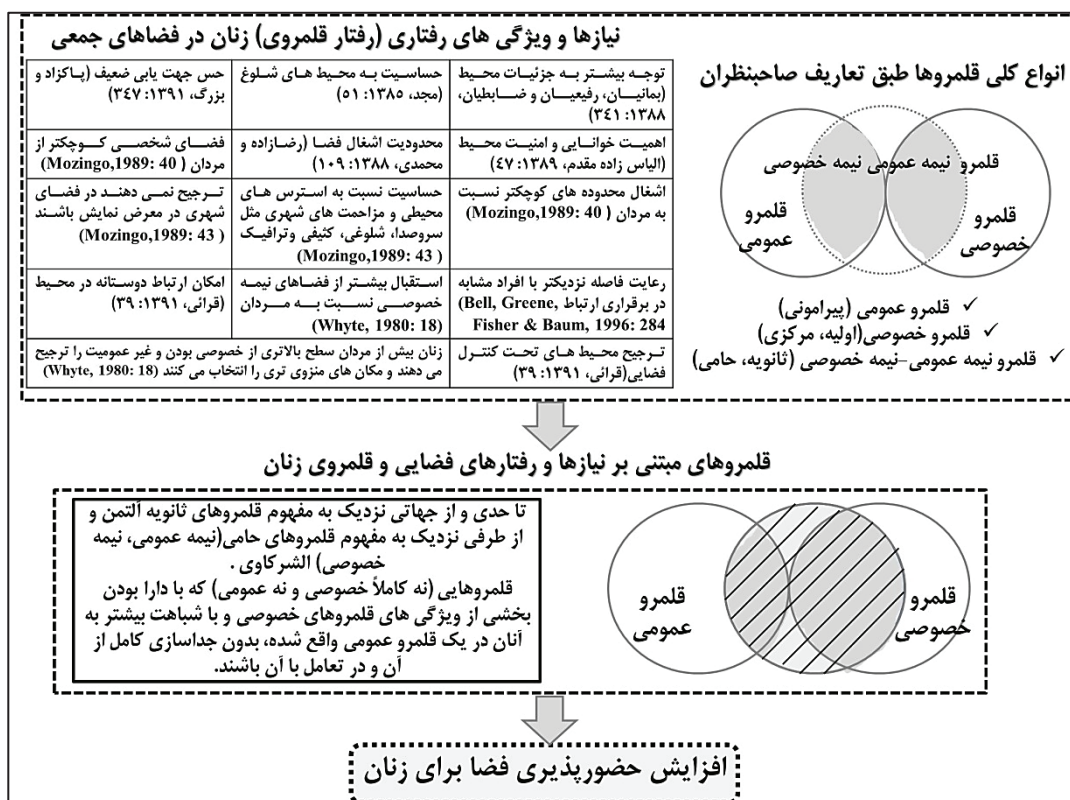
۱۳۹۱: ۳۴۷). زنان در فضاهای خوانا احساس امنیت بیشتری دارند. خوانایی اصولاً به درجه درک از یک فضا و وضوح آن برمی گردد و اینکه فضای مورد نظر از یک الگوی منسجم برخوردار باشد. وقتی فضایی خوانا است به احساس راحتی و امنیت کمک می کند و برعکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارد و فضا گیج کننده است، احساس امنیت از بین می رود (الیاس زاده مقدم، ۱۳۸۹: ۴۷).

چندین تفاوت کلیدی میان زنان و مردان، در جهت گیری آنها و مشمولیت آنها در محیط وجود دارد. چنین تفاوت هایی بر اساس مسائل اجتماعی و از طریق توسعه هویت شخصی زنان و مردان و بواسطه تقسیم کارهای سنگین بوجود آمده است. از همان زمان کودکی دختران مجاب می شوند تا نسبت به پسران کمتر فعالیت های فیزیکی داشته باشند، بیشتر بترسند و کمتر کنجکاوی نمایند. ایریس ماریون یونگ^{۱۹} معتقد است زنان عموماً دچار محدودیت های اشغال فضا، تحرک کمتر در مشمولیت در فضا هستند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). از آنجایی که بعضاً در بخشی از جوامع زنان در ترس از آزار بدنی به سر می برند، فضای شخصی کوچکتری از مردان را دارند. آنها موقعیت های شلوغ و پر استرس را کمتر از مردان انتخاب کرده و محدوده های کوچکتری را نسبت به گروه های مردانه اشغال می کنند (Mozingo, 1989: 40). زنان بیشتر از مردان به استرس های محیطی و مزاحمت های شهری مثل سروصدا، شلوغی، کثیفی و ترافیک حساس اند. آنها ترجیح نمی دهند در فضای شهری در معرض نمایش باشند. به این دلیل که محدوده های روانشناختی و یا شخصی آنان ممکن است در بعضی شرایط راحت تر مورد تجاوز قرار گیرد (Mozingo, 1989: 43). زن ها نسبت به مردها اگر فضای شخصیشان توسط غریبه مورد تجاوز قرار گیرد بیشتر مضطرب می شوند.

پژوهش های دیگر اشاره دارد به اینکه مردان فضای شخصی بزرگتری نسبت به زنان برای خود ایجاد می کنند و اینکه مردم معمولاً فاصله بیشتری را با مردان می گیرند تا با زنان. بعلاوه، زنان در فاصله نزدیکتری با افراد مشابه به برقراری ارتباط دو سویه می پردازند و جفت های زن- زن فاصله نزدیکتری نسبت به جفت های مرد- مرد برقرار می کنند (Bell, Greene, 1996: 284). مردان و زنان همچنین هنگامی که فضای شخصی دیگران را مورد هجوم قرار می دهند در رفتار فضایی شان با هم تفاوت هایی دارند. نتیجه یک مطالعه نشان می دهد که زنان راحت تر به فضای شخصی کسی که لبخند میزند وارد می شوند تا کسی که یک چهره بی تفاوت نشان می دهد در حالی که برای مردان، عکس آن صادق است (Bell et al., 1996: 290-301). مردان وقتی غریبه ای از روبرو به فضای شخصی آنها تجاوز کند، مضطرب و عصبی می شوند اما اگر این تعرض از کنار صورت گیرد، تحت تأثیر قرار نمی گیرند. این برخوردها برای زنان بر عکس است یعنی نسبت به کسانی که کنارشان نشسته اند و از کنار فضای شخصی آنها را مورد تجاوز قرار داده اند واکنش منفی نشان داده اما نسبت به کسانی که از روبرو به فضای شخصی آنها متعرض شده اند، واکنشی ندارند (Bell et al., 1996: 290-301). از نظر وایت^{۲۰} زنان بیش از مردان از فضاهای نیمه خصوصی استقبال می کنند و در صورت وجود دو لبه موازی با خیابان، زنان ردیف دوم را برای نشستن انتخاب می کنند (Whyte, 1980: 18). بنابراین، زنان فضاهای عمومی را که امکان ارتباط دوستانه را برقرار می کنند و راحتی کاربران را تأمین می نمایند و در عین حال تحت کنترل فضایی هستند ترجیح می دهند. شاید بتوان گفت زنان ممکن است در جستجوی تجربه حیات پستی (حیات خلوت) باشند (قرائی، ۱۳۹۱: ۳۹).

با توجه به مطالعات انجام شده پیرامون قلمروها و رفتارهای فضایی و قلمروی زنان، و از طرفی تجربه های زیسته، مشاهدات و مصاحبه های غیر رسمی محقق با این اقشار، می توان گفت؛ در فرایند ادراک محیط و نتایج آن، بین زنان و مردان تفاوت هایی وجود دارد و دارای ویژگی های رفتاری و نیازهای متفاوتی در ارتباط با محیط هستند. با بررسی این ویژگی ها و نیازها به پیش فرضی می رسیم مبتنی بر قلمروهایی، که به نظر این قلمروها منطبق بر نیاز و رفتار فضایی و قلمروی زنان می باشد و در صورت وجود، فضا برای زنان حضورپذیرتر خواهد شد. مفهوم و ویژگی های این قلمروها را می توان تا حدی و از جهاتی نزدیک به مفهوم قلمروهای ثانویه آلتمن و از طرفی نزدیک به مفهوم قلمروهای حامی (نیمه عمومی، نیمه خصوصی) الشراکوی دانست. قلمروهایی (نه کاملاً خصوصی و نه عمومی) که با دارا بودن بخشی از ویژگی های قلمروهای خصوصی و با شباهت به آنان در یک قلمرو عمومی واقع شده، بدون جداسازی کامل از آن و در تعامل با آن باشند.

با توجه به پیش فرض ارائه شده، حال باید در جهت بررسی آن، ویژگی های این قلمروها را شناسایی و تشریح کرد؛ این کار مستلزم مطالعه رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی جمعی است که از مطالعات میدانی برای این منظور استفاده شده است.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، از نوع کیفی می‌باشد. با عنایت به شکل‌گیری ادبیات تحقیق و استخراج الگوی مفهومی پژوهش، از مطالعات میدانی به منظور بررسی نظرات و رفتارهای طیف مختلف زنان در رابطه با شاخص‌های فضایی مؤثر بر حضورپذیری آنها در فضاهای جمعی استفاده می‌شود تا به تبیین نظریه تحقیق بیانجامد. در نهایت جهت آزمودن نظریه در مقرهای رفتاری واقعی نیز، به مطالعه در دو نمونه موردی پرداخته تا صحت یافته‌های حاصل از تحقیق ارزیابی شود که این مطالعات در دو نمونه از فضاهای جمعی در استان گیلان و شهرهای رشت و لاهیجان انجام خواهد شد. میدان شهرداری رشت و محوطه دور استخر لاهیجان که فضاهایی فعال از لحاظ حضور افراد می‌باشند و با توجه به داشتن اغلب ویژگی‌های فضاهای جمعی غیررسمی، بدین منظور انتخاب شده‌اند. بنابراین، محقق جمعیت حاضر در فضاهای جمعی مشخص شده را که در محدوده زمانی تحقیق در این فضاها حضور داشته و درحال استفاده از آن بوده اند، مورد مطالعه قرار داده است.

ابزارهای گردآوری اطلاعات در این تحقیق شامل مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و روش زمینه ای (داده بنیاد) هستند که جزء روش‌های کیفی محسوب می‌شوند. روند مشاهده و پرسش‌های مصاحبه بر مبنای مطالعات چهارچوب نظری تدوین شده اند تا مفهوم و پیش فرض ارائه شده، از دیدگاه کاربران فضا سنجیده شده و ضمن دستیابی به مفاهیم و مقوله‌های مطابق با رفتار قلمروی زنان، مدلی جهت فضای مطلوب و حضورپذیرتر برای آنان ارائه شود.

به منظور انجام مطالعات میدانی، گفتگو با طیف‌های مختلفی از زنان با شاخص‌های مختلف سنی، فرهنگی، اعتقادی (مذهبی و غیر مذهبی)، کارمند و غیر کارمند و طیف‌های مختلفی که احتمالاً پاسخ‌های متفاوتی در ارتباط با موضوع مورد بحث دارند انجام می‌شود که سعی می‌شود در انتخاب آنها نسبت متعادلی رعایت شود. در راستای انجام بررسی‌های موردی نیز از میان جامعه آماری تحقیق که با توجه به محدوده مطالعات میدانی، زنان شهر رشت و لاهیجان می‌باشند، تعدادی از این زنان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. در روش کیفی برخلاف روش کمی، نمی‌توان با محاسبات آماری گفت چه تعداد نمونه لازم است. گلیرز و اشتراوس^{۳۱} معیار اشباع نظری را برای اتمام مصاحبه‌ها پیشنهاد می‌کنند: «اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (یعنی دیگر چیز جدیدی

به دست نیاید).» (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۰). پس یکی از راه‌های مناسب برای اتمام مصاحبه‌ها در روش کیفی، مواجهه پژوهشگر با پاسخ‌های تکراری مطالعه شوندگان است، یعنی جایی که با ادامه کار نتیجه جدیدی حاصل نمی‌شود. در مطالعات میدانی جهت تبیین نظریه تحقیق، گفتگوهای زمینه‌ای با انجام ۴۱ مصاحبه به اشباع نظری رسیده و در بررسی نمونه‌های موردی نیز، در نهایت با انجام ۵۴ مصاحبه در زمان‌های متفاوت، با رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری پایان یافته است. درواقع، با یافتن پاسخ‌های تکراری و مشابه در هر مرحله و با رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌ها به اتمام رسیده است.

استفاده از تکنیک مشاهده نیز در دو زمان انجام می‌شود. ابتدا قبل از انجام مصاحبه‌ها و برای تدقیق و گسترش اطلاعات محقق در خصوص موضوع تحقیق، با گشت و گشت در فضاهای مورد مطالعه، برای مشاهده آیت‌ها تلاش می‌شود. در مرحله دوم، بعد از انجام مصاحبه‌ها به بررسی ویژگی‌های مکان‌های مشخصی می‌پردازیم که مصاحبه شوندگان به عنوان محل مکث یا استفاده خود عنوان کرده بودند. تحلیل داده‌ها در این پژوهش، به صورت توصیف و نظریه پردازی بوده که جهت انجام این امر از مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر، داده‌ها با تبدیل مشاهدات، مصاحبه‌ها و مبنای نظری به متن، مستند سازی شده و به صورت جمله‌ای جداسازی و مفهوم سازی می‌شوند. مفاهیم پرتکرار به دست آمده از داده‌ها، یافته شده و بعد مقوله سازی از آنها انجام می‌گیرد و در نهایت مقوله هسته‌ای به دست می‌آید.

یافته‌های تحقیق

جهت انجام مطالعات میدانی به روش زمینه‌ای و با استفاده از ابزار مصاحبه، به بررسی نظرات و رفتارهای طیف مختلف زنان در رابطه با شاخص‌های فضایی مؤثر بر حضورپذیری آنها در فضاهای جمعی پرداخته و در راستای تبیین نظریه تحقیق تلاش شده است. همانطور که گفته شد، گفتگو با طیف‌های مختلفی از زنان با شاخص‌های مختلف سنی، فرهنگی، اعتقادی (مذهبی و غیر مذهبی)، کارمند و غیر کارمند و طیف‌های مختلفی که احتمالاً پاسخ‌های متفاوتی در ارتباط با موضوع مورد بحث دارند انجام گرفته است. گفتگو با افراد مورد نظر از این منظر انجام شده که در صورت رفتن به یک فضای جمعی مانند پارک، میدان شهری و ... (به طور فردی یا با دوستان) کجاها را برای نشستن و ماندن در فضا انتخاب می‌کنند؟ به چه چیزهایی توجه می‌کنند و در انتخاب فضا چه ملاک‌هایی برایشان اهمیت دارد؟ اگر فضای مورد استفاده چطور بود بهتر بود؟ و سوالات کلی از این دست که فضا را برای گفتگو و پاسخ‌های مصاحبه شوندگان باز بگذارد تا نظرات خود را آشکار سازند و در نهایت با انجام ۴۱ مصاحبه در زمان‌های متفاوت، با یافتن پاسخ‌های تکراری و مشابه و با رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌ها به اتمام رسیده است. گفتگوهای انجام شده، به روش کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب که بعد از اتمام مصاحبه‌ها، پیاده سازی متن مصاحبه‌ها بصورت عین به عین انجام گرفته و پس از آن، داده‌ها چندین بار مرور و بازخوانی شده تا سرنخ‌های مفهومی را آشکار کرده، ادراکی کلی از مفاهیم موجود در آنها مشخص و نهایتاً کدگذاری شوند. کدگذاری و بررسی مفاهیم تا رسیدن به اشباع، یعنی تا وقتی که هیچ موضوع جدیدی در داده‌ها یافت نشده، ادامه یافته است.

در اینجا یک نمونه از صحبت‌های افراد منتخب و کدهای اولیه استخراج شده از آن جهت روشن شدن موضوع آورده می‌شود:

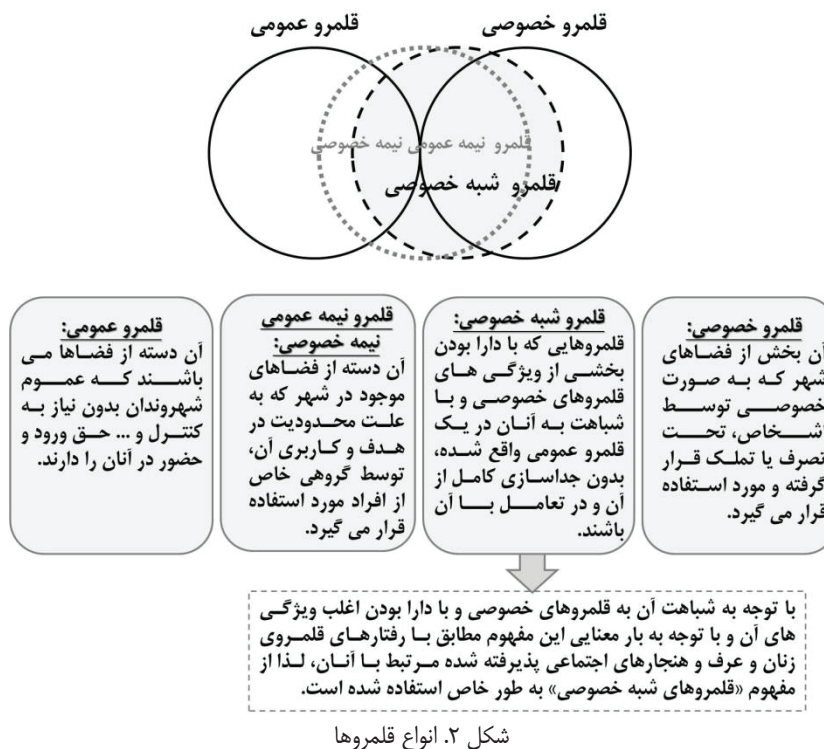
۱- «یه جای دنج و خلوت که از دید و نگاه مستقیم دیگران دور باشه ولی بشه منظره رو دید و ازش لذت برد... سکوت اون منطقه اول از همه مهمه تا بشه راحت صدای همه رو شنید. بعدش اینکه زیاد به افراد غریبه نزدیک نباشه و اونا نتونن حرف آدم رو بشنوند... یعنی دوست دارم در عین اینکه کیفیت محیط بیرون رو داشته باشه، اختصاصی و دنج بودن و سکوتش رو هم داشته باشه. سایه مناسب، روشنایی خوب بخاطر امنیت فضا، تمیزی فضا... اینها هم مهمه.»

نتایج کدگذاری مصاحبه‌های پژوهش تحت قالب کدگذاری باز در جدول ۲ آورده شده است. لازم به ذکر است که دست نویس‌های با کدهای اولیه برای اطمینان از فقدان هرگونه اشتباه در برداشت و ایجاد شفافیت و بالا بردن اعتبار پژوهش، به تعدادی از مصاحبه شوندگان ارائه شده است. مشارکت کنندگان با کدهای ارائه شده در بیشتر موارد توافق داشته‌اند، جز در موارد اندکی که مورد اصلاح قرار گرفت. سپس این کدها چندبار دیگر با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مشترک و همپوشان تلفیق شده‌اند تا در نهایت مقولات و فرایندهای اساسی مشخص شده و عناوین مناسب به آنها داده شود. در حقیقت، با اتمام مفهوم سازی داده‌ها، مفاهیم مشابه در یک مقوله خاص گروه بندی شده‌اند. نتایج این مرحله نیز تحت عنوان کدگذاری محوری در جدول ۲ ملاحظه می‌شود که مقوله‌های عنوان شده، بیانگر ویژگی‌های فضایی است که برای افراد مورد مطالعه حضور پذیر است.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه زمینه‌ای

مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
دور بودن از دید و نگاه مستقیم دیگران، دور بودن نسبی از دید بقیه	محدودیت نسبی رؤیت پذیری
دنچ بودن متعادل، خلوت، جایگاه آرام، داشتن فاصله مناسب از محل تجمع، دور بودن از فضاهای عمومی پر تردد، کنار بودن، گوشه بودن	خلوت و دنچ بودن نسبی
حس امنیت، روشنایی خوب	امنیت
آرامش، احساس راحتی	آرامش
داشتن حریم، داشتن یک حدود	داشتن حریم یا حد و مرز (بصری یا غیر بصری)
عرض بیشتر فضا، در مسیر نبودن فضای نشست، نبودن صندلی‌ها وسط راه، وسط معرکه نباشد	کاهش نفوذپذیری (دسترسی به فضا)
مشاهده اطراف و احساس حضور دیگران، خیلی خالی از جمعیت و خلوت نباشد	نظارت اجتماعی
سایه مناسب، وجود جایگاه نشستن مثل صندلی، نیمکت و ...، مبلمان راحت	آسایش فیزیکی
وجود درخت و فضای سبز، وجود المان زیبا، وجود فواره و آب‌نما	شاخص‌ها و المان‌های تحدیدکننده و تعریف‌کننده فضا (مانند درخت، المان، آب‌نما و ...)
وجود یک عقب‌نشینی نسبت به معبر، قرار گرفتن صندلی‌ها در یک فضای دایره‌ای شکل یا نیم‌دایره‌ای با یک تورفتگی، وجود حالتی مثل دالان	تحدید و تعریف قلمرو
اختصاصی بودن	حس مالکیت
خیلی بسته نباشد ولی محدود باشد، جدا شدن نسبی از سایر فضاها	عرصه‌بندی و حدود مشخص
دید وسیع، امکان مشاهده گسترده اطراف	دید گسترده
شلوغ نبودن و ازدحام کمتر	نبود ازدحام
مشرف بودن به فضای اطراف، تسلط بر فضا	تسلط بر فضا (مشرف بودن به فضای اطراف)
رؤیت مناظر اطراف، امکان دیدن فضای اطراف	امکان رؤیت فضاهای اطراف
سر و صدای کمتر، سکوت	سکوت
حریم خصوصی، دور بودن از غریبه‌ها	حریم خصوصی
پاتوق بودن، آشنا بودن با فضا	حس تعلق
تمیزی فضا، نظافت مناسب	تمیزی
سرسبزی، وجود فضای سبز زیبا، زیبایی فضا	زیبایی و سرسبزی
فضا خیلی بزرگ و وسیع نباشد، سقف‌های کوتاه	مقیاس کوچک فضا
تجربه رفتن به آن فضا در گذشته، داشتن خاطره	خاطره‌انگیزی

پس از یک بررسی اولیه و در قالب کدگذاری گزینشی، بعد از بارها مطالعه و رفت و برگشت‌هایی که میان داده‌ها، مفاهیم، کدها و مقوله‌ها صورت گرفته، یک مقوله بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها خود را نمایان ساخته است. این مقوله که مقوله مرکزی یا هسته‌ای مطالعه حاضر است با عنوان «قلمروهای شبه‌خصوصی»^{۳۲} به عنوان پدیده محوری در قلب مقوله‌های دیگر در الگوی پارادایم قرار گرفت. علت انتخاب این عنوان این است که مطابق با پیش فرض ارائه شده پس از مطالعات نظری و مشاهدات محقق، همه مفاهیم و مقوله‌ها به نوعی به آن اشاره می‌کرده و در میان انواع قلمروها، معرف ویژگی‌های آن بوده است. با توجه به شباهت آن به قلمروهای خصوصی و با دارا بودن اغلب ویژگی‌های آن و با توجه به بار معنایی این مفهوم مطابق با رفتارهای قلمروی زنان و عرف و هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده مرتبط با آنان، لذا از مفهوم «قلمروهای شبه‌خصوصی» به طور خاص استفاده شده است. درواقع، در هر مرحله کدگذاری، محقق به طور دائم به متون مصاحبه‌ها مراجعه و برخی از کدها را حذف یا کدهای جدیدی را اضافه می‌کرد. این روش رفت و برگشتی آنقدر ادامه یافته تا پژوهش به مرحله اشباع نظری رسیده است. در نهایت، ارتباط مفاهیم و مقولات با یکدیگر بررسی و در قالب یک نظریه اساسی تحت عنوان «قلمروهای شبه‌خصوصی» که تبیین‌کننده پدیده مورد مطالعه است ارائه گردیده و مشاهده شده است که وجود این قلمروها با ویژگی‌هایی که برای آن ذکر شد، در حضورپذیری فضاهای عمومی جمعی برای زنان مؤثر بوده و باعث حضور بیشتر و استفاده بیشتر آنان از چنین فضاهایی می‌شود.

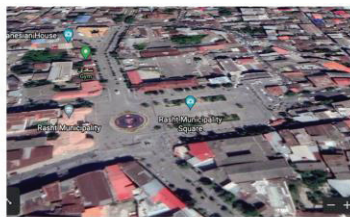


مطالعه نمونه های موردی: پس از انجام مصاحبه ها و تحلیل آنها، اثبات پیش فرض و ارائه نظریه مبنی بر تطابق قلمروهای شبه خصوصی با رفتار قلمروی زنان و تأثیر آن بر حضورپذیری آنان در فضاها، جمعی، حال جهت ارزیابی نظریه در یک مقرر رفتاری واقعی و تکمیل پژوهش، لازم است تا مطالعات چهارچوب نظری و نظریه ارائه شده حاصل از یافته های مطالعات میدانی محقق، مورد مشاهده و مصاحبه در نمونه های موردی قرار گرفته و سنجیده شوند تا مورد راستی آزمایی قرار گیرند و نظریه تحقیق، از دیدگاه کاربران فضا سنجیده شود. مجموعه های انتخابی میدان شهرداری رشت و محوطه دور استخر لاهیجان بوده که فضاهایی شناخته شده، فعال و پر استفاده از لحاظ حضور افراد می باشند. روش تحقیق در این مقاله روش تحقیق زمینه ای بوده و کمیت نمونه ها جنبه اثباتی ندارد. در این روش، استدلال بر اساس اشباع نظری است که نتایج تحقیق را قطعیت می دهد، ضمن آنکه دو نمونه انتخاب شده صرفاً برای آزمون نظریه است. با این حال، لازم به توضیح است که انتخاب این دو نمونه از این باب صورت گرفته است که هم به لحاظ تاریخی و هم در شرایط معاصر در زمره فضاهای جمعی غیررسمی قلمداد می شوند. ضمناً دسترسی به این دو مکان از دسترسی دموکراتیک برخوردار بوده و تابع محدودیت خاصی نیست. لازم به ذکر است حضور در میدانی نظیر میدان سنت پیتر در رم یا میدان سرخ مسکو، بدلیل استقرار مقامات سیاسی یا مذهبی تابع محدودیت های خاص می تواند قرار گیرند. بنا بر فرضیات تحقیق تلاش شده است نمونه هایی برای آزمون انتخاب شود که حضور عموم به ویژه بانوان در آنها تابع محدودیت یا تشریفات خاصی قرار نگیرد تا روایی آزمون نظریه از قوت بیشتر برخوردار شود.

میدان شهرداری رشت: میدان شهرداری رشت، یک میدان تاریخی در قلب شهر رشت، مرکز استان گیلان به شمار می آید. وجود بناهای تاریخی در اطراف آن و وقوع رویدادهای مهم اجتماعی در این مکان نشان از اهمیت مرکزی آن دارد. در دوره ناصری از این میدان با عنوان میدان درب خانه دیوانی نام برده شده است. میدان امروزی که سابقه ای در حدود دوره پهلوی اول دارد، در گذشته ضمن دارا بودن معنا و مفهوم حکومت مداری، معنای مذهبی نیز داشته است. در آغاز دوره پهلوی اول این میدان دستخوش تغییرات کالبدی گسترده ای شد و تغییرات کالبدی مذکور مؤلفه معنایی میدان را که جنبه توأمان مذهبی و حکومتی داشته، صرفاً به جنبه حکومتی و تجاری و تفریحی معطوف کرده است (کیانی و پورعلی، ۱۳۹۱: ۶۶) و دسترسی به آن تابع محدودیت خاصی نیست. این میدان با گذر زمان دستخوش تغییراتی شده و در طرح های اخیر، طی بازآفرینی ایجاد شده، به عنوان یک فضای عمومی شهری به یک پیاده راه شهری تبدیل گشته که وجود عناصری جاذب چون: تندیس های مختلف، فواره ها و آب نماها، جایگاه های نشستن و ... آن را به فضایی فعال و پویا تبدیل کرده است. (شکل ۳)



تصاویر قدیمی میدان شهرداری رشت



تصویر هوایی میدان شهرداری رشت



تصویر کلی از وضع موجود میدان شهرداری



تصویر پیاده راه علم الهدی منتهی به میدان شهرداری



تصویر وضع موجود میدان شهرداری



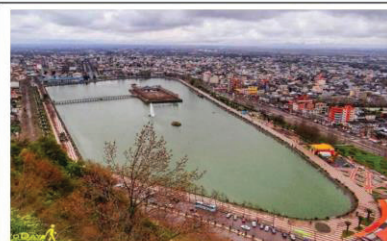
شکل ۳. تصاویر میدان شهرداری رشت (منبع : سایت‌های اینترنتی)



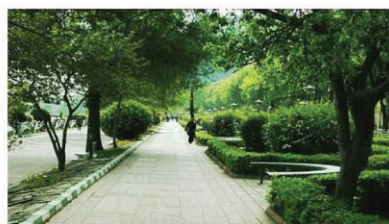
تصاویر قدیمی استخر لاهیجان



تصویر هوایی استخر لاهیجان



تصاویر کلی از وضع موجود استخر لاهیجان



تصویر وضع موجود محوطه دور استخر لاهیجان



شکل ۴. تصاویر محوطه دور استخر لاهیجان (منبع : سایت‌های اینترنتی)

محوطه دور استخر لاهیجان: استخر لاهیجان واقع در بخش شرقی این شهر در استان گیلان، از مهمترین عرصه‌های عمومی لاهیجان به شمار می‌آید. این استخر در سال هزار هجری قمری مصادف با نهصد و هشتاد و پنج هجری شمسی با بهره‌گیری از ظرفیت طبیعی منطقه، نظیر باغ تاریخی بهشهر یا ایل گلی تبریز به دستور شاه عباس صفوی ساخته شده است. مکنزی^{۲۳} - محقق انگلیسی تبار زبان پارسی - در سفرنامه خود از آن یاد می‌کند؛ (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۷). در وسط این استخر، جزیره‌ای موسوم به «میان پشته» قرار دارد و چنان‌چه در «تاریخ عالم‌آرای عباسی» مکتوب شده‌است، شاه عباس صفوی قصری عظیم در آن برای سکونت شخصی خود در اوقاتی که به لاهیجان می‌آمده، بنا نهاده بود، اما هیچ‌گونه آثاری از آن بنا باقی نمانده است. با تغییرات صورت گرفته از دوره پهلوی در این مجموعه (هرچند اصالت‌های تاریخی آن را دستخوش تغییرات کرده‌است) لیکن محوطه استخر امروزه به عرصه‌ای عمومی تبدیل شده و محوطه دور آن اکنون از مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت مهم شهر به شمار می‌رود. (شکل ۴)

فضاهای نامبرده در روزهای متفاوتی و هرکدام بارها مورد مشاهده و تحلیل قرار گرفته‌اند. استفاده از تکنیک مشاهده در دو زمان انجام شده است. نخست قبل از انجام مصاحبه‌ها و برای تدقیق و گسترش اطلاعات محقق در خصوص موضوع تحقیق و مرحله دوم مشاهدات، بعد از انجام مصاحبه‌ها بوده است. یعنی به بررسی ویژگی‌های مکان‌های مشخصی پرداخته می‌شود که مصاحبه‌شوندگان به عنوان محل مکث یا استفاده خود عنوان کرده بودند. تحلیل مشاهدات در این مجموعه‌ها نشان می‌دهد که زنان در صورت وجود فضای خالی و قابل انتخاب، اکثراً فضاهای مشابهی را از لحاظ خصوصیات کالبدی و غیر کالبدی جهت حضور و ماندن در فضا انتخاب می‌کنند و از این فضاها جهت استراحت و رفع خستگی، صرف غذا، معاشرت با دوستان، تماشای اطراف و... استفاده می‌کنند. برخی ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی این فضاها را می‌توان اینگونه برشمرد: وجود جایگاه نشستن، خلوت و دنج بودن، جداسازی فضا توسط حد و مرزهای بصری و غیر بصری، شاخص‌ها و المان‌های تحدید کننده و مشخص کننده فضا (مانند درخت و فضای سبز) و...

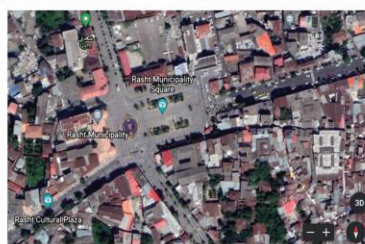
با توجه به اینکه روش اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با استفاده از سؤال‌های باز بوده است؛ پس از انجام و بررسی مشاهدات، مصاحبه در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف با زنان حاضر در مجموعه‌های انتخابی انجام شده و از آنان درباره مشخصات فضاهای انتخابی و سایر سؤالات مورد نظر در پژوهش پرسش شده است. سؤالات مطرح شده مواردی بودند از قبیل: «چرا این مکان را برای نشستن و حضور خود انتخاب کردید؟» یا «چرا آن مکان را انتخاب نکردید؟»، «موقع انتخاب یک فضا برای حضور در آن چه ملاک‌هایی مدنظر است و به چه چیزهایی توجه می‌کنید؟» و ... پس از انجام ۵۴ مصاحبه و با رسیدن به پاسخ‌های تکراری و اشباع نظری، اجرای مصاحبه‌ها به اتمام رسیده است. سپس، پیاده سازی متن مصاحبه‌ها انجام گرفته و تجزیه و تحلیل شده‌اند. درواقع، پس از پیاده سازی متن مصاحبه‌ها، پس از چندین بار مرور و ادراک مفاهیم موجود در آنها، کدهای اولیه از این مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند. سپس مراحل کامل کدگذاری داده‌ها شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده و مورد تحلیل دقیق و همه جانبه قرار گرفته‌اند. نتایج این کدگذاری‌ها تحت عنوان کدگذاری باز و کدگذاری محوری در جدول ۳ آورده شده است. (شیوه انجام و مراحل اجرای کدگذاری‌ها قبلاً در بخش مطالعات میدانی آورده شده و به دلیل مشابهت از تکرار مکررات در این قسمت صرف نظر می‌شود).

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه زمینه‌ای

مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله‌ها (کدگذاری محوری)	مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله‌ها (کدگذاری محوری)
دید کمتر، زیاد در چشم نبودن	محدودیت نسبی رؤیت پذیری	جدا شدن فضا	عرصه بندی
گوشه و دنج بودن، خلوت	خلوت و دنج بودن نسبی	فضای سبز، مناظر زیبا، زیبایی فضا	زیبایی و سرسبزی
امن بودن، روشن بودن فضا	امنیت	عقب تر بودن نسبت به محل عبور، احاطه شدن با فضای سبز	تحدید و تعریف قلمرو
احساس راحتی، آرامش داشتن	آرامش	مشاهده اطراف، دیدن مناظر اطراف	دید گسترده
محدود بودن	داشتن حد و مرز	شلوغ نبودن، نبود جمعیت زیاد	نبود ازدحام
در مسیر نبودن فضا، نبودن وسط معرکه	کاهش نفوذپذیری (دسترسی به فضا)	آشنایی با فضا و تسلط بر آن، حق آزادی عمل و اختصاص آن به خود	حس تعلق (مالکیت)
احساس حضور دیگران	نظارت اجتماعی	تمیز بودن فضا، نزدیکی به سطال زباله	تمیزی
وجود سایبان (درخت و ...)، وجود مبلمان برای نشستن	آسایش فیزیکی	دور بودن از سایر افراد غریبه، داشتن یک حریم اختصاصی	حریم خصوصی
وجود درخت و صندلی، وجود آبنا و فواره	مشخصه فضا (تعریف فضا)		



تصویر کلی از میدان شهرداری رشت



تصویر هوایی میدان شهرداری رشت



قلمرو عمومی



قلمرو خصوصی تر

جایگاه های نشستن و قلمروهای ایجاد شده



قلمرو عمومی



قلمرو خصوصی تر



قلمرو خصوصی تر

جایگاه های نشستن و قلمروهای ایجاد شده



قلمرو عمومی

شکل ۵. نمونه تصاویر میدان شهرداری رشت و قلمروهای موجود (منبع: نگارندگان)



- چرا این مکان را برای نشستن انتخاب کردید؟
- چون زیاد توی چشم نیست.
- مقوله: محدودیت رؤیت پذیری
- اشاره به مکانی که در عرصه عمومی تری واقع شده و پرسیدن این سوال که چرا در آن مکان نشستید؟
- چون خیلی وسط معرکه است.
- مقوله: کاهش نفوذپذیری (دسترسی به فضا)

نمونه تصاویر و مصاحبه های انجام شده



تصویر هوایی استخر لاهیجان



قلمرو خصوصی تر

قلمرو عمومی

نمونه هایی از جایگاه های نشستن و قلمروهای ایجاد شده



قلمرو خصوصی تر

عرشه عمومی



عرشه عمومی

قلمرو خصوصی تر

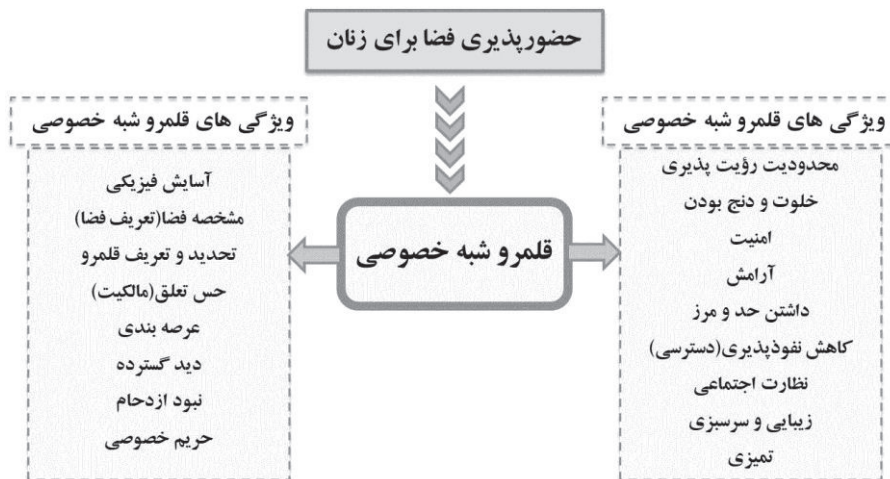
قلمرو عمومی



عرشه عمومی

شکل ۶. نمونه تصاویر محوطه دور استخر لاهیجان و قلمروهای موجود (منبع: نگارندگان)

در راستای کدگذاری گزینشی داده‌های پژوهش، یک مقوله بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها بارز و مشخص بوده است. این مقوله با ویژگی‌های رؤیت شده را می‌توان همان «قلمروهای شبه خصوصی» نامید که در مطالعات میدانی و گفتگوهای زمینه‌ای با طیف مختلف زنان نیز به آن دست یافته شد. درواقع می‌توان گفت که مجموعه مفاهیم و مقوله‌ها به آن اشاره کرده و مؤید ویژگی‌های آن است. بنابراین نظریه اساسی تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. پژوهش با مطالعات میدانی و کدگذاری داده‌ها و مقوله بندی آنها به یکسری خصوصیات فضایی دست یافته که معرف و سازنده مفهوم اساسی مطالعه (قلمروهای شبه خصوصی) می‌باشد. در شکل ۷ می‌توان این ویژگی‌ها را مشاهده کرد.



شکل ۷. دیاگرام خلاصه یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

دلایل و عوامل مختلفی، حضور زنان و مشارکت اجتماعی آنان را در فضاهای عمومی شهری محدود می‌سازد. یکی از این دلایل، عدم تناسب این فضاها با نیازها و ویژگی‌های رفتاری زنان (علی‌الخصوص رفتار قلمروی آنان) است. زنان و مردان به رغم همزیستی مسالمت آمیز فضایی، به شیوه‌های مختلفی از فضا استفاده می‌کنند و تجارب آنها در فضا نیز تا حدی متفاوتند. پس لازم است که جنسیت و مؤلفه‌های برگرفته از آن در فضا در نظر گرفته شود تا کاربران، بهتر و با کیفیت بالاتر با فضا ارتباط برقرار کرده و زمان بیشتری را با رضایت خاطر در آن سپری کنند.

پژوهش حاضر، تلاش نمود تا به شاخص‌ها و ویژگی‌هایی در فضاهای جمعی دست یابد که حضورپذیری فضا برای زنان را ارتقاء دهد. در این راستا، محقق پژوهش را با مطالعه اسناد علمی و پژوهش‌های انجام شده پیشین آغاز کرد، سپس از طریق مشاهده و مصاحبه با زنان، اطلاعات کامل تری نسبت به پدیده به دست آورده و درنهایت با تفکر و تأمل در تجربه زیسته، پدیده را از منظر خویش توصیف می‌کند. در مواجهه با طیف‌های مختلف افرادی که مورد گفتگو قرار گرفتند، با افرادی روبرو می‌شویم که اساساً با هرگونه مرزبندی بین زن و مرد و مسائل پیرامون آن مخالفت می‌کنند و عده‌ای دیگر، قائل به تفاوت‌های میان زن و مرد و حل مسائل آنان با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها هستند. (با انجام گفتگوها و تحلیل آنها دیده شد که گروه اول نیز در بطن صحبت هایشان به موضوع تحقیق اعتقاد دارند).

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان در صورت داشتن حق انتخاب، فضاهایی را جهت حضور در فضاهای جمعی برای استراحت و تماشای اطراف، صرف غذا، معاشرت با دوستان و ... انتخاب می‌کنند که اکثراً ویژگی‌های مشابهی را می‌توان در آنها مشاهده کرد. این ویژگی‌ها را می‌توان متناظر با نیازها و رفتار قلمروی زنان در فضاهای جمعی دانست. شاخص‌های فضایی چون خلوت و دنج بودن، محدودیت رؤیت پذیری، امنیت، جداسازی فضا توسط حد و مرزهای بصری و غیر بصری، شاخص‌ها و المان‌های تعریف کننده و مشخص کننده فضا (مانند درخت و فضای سبز و ...)، کاهش نفوذپذیری (دسترسی)، نظارت اجتماعی و ... که در صورت داشتن این شاخص‌ها به نظر فضا برای زنان حضورپذیرتر خواهد بود. این شاخص‌های فضایی می‌توانند معرف ویژگی‌های مفهومی به نام «قلمرو شبه خصوصی» باشند. قلمروهایی که نه کاملاً خصوصی هستند و نه

عمومی و با ویژگی‌هایی که دارند به حضور هرچه بیشتر زنان در فضاهای جمعی کمک می‌کنند. بنابر این با ایجاد قلمروهای فضایی با مشخصه‌های قلمروهای شبه خصوصی در فضاهای جمعی، می‌توان زمینه را جهت افزایش حضور بانوان در چنین فضاهایی مهیا کرد. ویژگی‌های این قلمروها را می‌توان در جدول ۴ که مدل نهایی پژوهش است، مشاهده کرد.

جدول ۴. مدل نهایی پژوهش (مبین ویژگی‌های قلمروهای شبه خصوصی و پیشنهاد شاخص‌های کالبدی متناظر با این ویژگی‌ها)

افزایش حضورپذیری فضا برای زنان	از خلوت و دنجی نسبی برخوردار باشد و در عین حال خالی از جمعیت نباشد (تحت نظارت اجتماعی)	قلمروهای شبه خصوصی
	دارای محدودیت نسبی در رؤیت‌پذیری باشد.	
	دارای آرامش و امنیت بیشتری نسبت به قلمرو عمومی باشد.	
	به لحاظ عناصر زیبایی‌شناسی از قلمرو عمومی کمتر نباشد.	
	بدون تفکیک و افراز جدی، دارای حد و مرز نسبی و تاحدودی غیر بصری باشد.	
	میزان نفوذپذیری به آن از قلمرو خصوصی بیشتر و از قلمرو عمومی کمتر باشد.	
	با داشتن شرایطی چون جایگاه نشستن، سایه، تمیزی و... مهیا کننده آسایش فیزیکی در حد قابل قبول باشد.	
	فضا با دارا بودن مشخصه‌هایی چون نیمکت، درخت، آبنما، المان و... دارای تعریف کالبدی، فضایی و معنایی باشد.	
	دارای یک حریم خصوصی نسبی نسبت به قلمرو عمومی باشد.	
	حس خاصی از مکان را برای کاربر فضا تداعی کند.	
	امکان دید گسترده به اطراف را همچون قلمرو عمومی فراهم کند.	
	به دور از ازدحام و شلوغی باشد.	

پیشنهاد شاخص‌های کالبدی متناظر:

- ✓ استفاده از پوشش گیاهی مناسب حول فضا جهت کاهش رؤیت‌پذیری و ایجاد مرز و حریم
- ✓ استفاده از جداول و سکوها بعنوان تعریف کننده و مرز فضا
- ✓ کمتر شدن عرض ورودی به فضا جهت نفوذپذیری کم
- ✓ ایجاد اختلاف سطح در فضا جهت تعریف قلمرو و جداسازی فضا از سایر فضاها
- ✓ ایجاد تمایز در جزئیات کفسازی فضا جهت تعریف محدوده و قلمرو مشخص
- ✓ در نظر گرفتن و طراحی این قلمروها در قسمت‌های کم ازدحام‌تر در یک عرصه عمومی
- ✓ استفاده از المان‌ها و شاخصه‌هایی که احساس تعلق به فضا را افزایش دهند
- ✓ استفاده از امکاناتی نظیر مبلمان مناسب، سطل زباله، چراغ‌های روشنایی جهت امنیت، آرامش و زیبایی فضا

بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن چنین قلمروهایی در جای جای فضاهای جمعی میل به ماندن در این فضاها را در بانوان افزایش داده و زمینه را برای حضور بیشتر آنان در چنین فضاهایی فراهم آورد. زیرا از یک طرف، عدم توجه به نیازها و ویژگی رفتاری زنان در طراحی فضاهای جمعی موجب ترک فضا از سوی آنها خواهد شد و از طرفی دیگر، در صورت ایجاد فضاهای تک جنسیتی و فضاهای ویژه بانوان، علی‌رغم داشتن مزیت‌هایی برای آنان، این فضاها پاسخی مناسب به نیازهای اجتماعی زنان جامعه امروز نمی‌باشند. بنابر این جهت تأمین سلامت جسمی و روحی این گروه بزرگ اجتماعی، ایجاد بستر مناسب برای انواع فعالیت‌های انتخابی آنها در فضاهای جمعی شهری، راهکار مناسب‌تری جهت حضور زنان در فضاهای جمعی تلقی می‌شود که در نهایت می‌تواند موجب ارتقای کیفی و افزایش سرزندگی فضاهای جمعی شهری باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Civil Society
2. Oldenburg, Ray
3. Informal communal spaces
4. Vaiou, D., & Lykogianni, R
5. Johnson & Miles
6. Beebejaun
7. Pease, Allan
8. Pease, Babara
9. Vernon, M.D.
10. Lipton

- | | | |
|----------------------------|------------------------------|----------------------------|
| 11. Open-air Living Room | 16. Nancy Duncan | 19. Iris Marion Young |
| 12. Outdoor Leisure Center | 17. BodySpace, Destabilising | 20. Whyte |
| 13. The Third Place | Geographies of Gender and | 21. Glaser & Strauss |
| 14. Leon A. Pastalan | Sexuality (1996) | 22. Semi-private Territory |
| 15. Altman | 18. Hayden | 23. Charles Machenzie |

منابع

- آلمن، ا. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی. ترجمه علی نماریان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اسدی محل چالی، م.، پیربابایی، م. و مقصودی، م. (۱۳۹۸). تبیین فرهنگ جنسیتی فضا در گذرهای شهر اسلامی- ایرانی. نشریه دانش شهرسازی، ۳ (۱): ۱۵-۳۱.
- الیاس زاده مقدم، ن. و ضابطیان، ا. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه موردی: بخش مرکزی تهران). نشریه هنرها زیبا، ۲ (۴۴): ۴۳-۵۶.
- بمانیان، م.، رفیعیان، م. و ضابطیان، ا. (۱۳۸۸). سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری (مورد: محدوده اطراف پارک شهر- تهران). نشریه زن در توسعه و سیاست، ۷ (۳): ۴۹-۶۷.
- بهزادفر، م.، جلیلی صدرآباد، س. و جلیلی صدرآباد، س. (۱۳۹۳). نورپردازی عرصه‌های همگانی شهری و حضورپذیری زنان (مطالعه موردی: پارک ساعی تهران). نشریه علمی پژوهشی آرمانشهر، دوره ۷، اولین ویژه نامه نورپردازی: ۹۳-۱۰۰.
- پاکزاد، ج. و بزرگ، ح. (۱۳۹۱). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
- پورحسین روشن، ح.، پورجعفر، م. و صارمی، ح. (۱۴۰۰). تبیین و بازتولید قدرت‌های مؤثر بر افزایش کیفیت حضورپذیری بانوان با رویکرد ایرانی- اسلامی (نمونه موردی: فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه). نشریه هویت شهر، ۱۵ (۱): ۹۷-۱۱۰.
- پیز، ب. و پیز، آ. (۲۰۰۱). چرا مردان گوش نمی دهند و زنان نمی توانند نقشه بخوانند. ترجمه ناهید رشید و نسرین گلدار. تهران: انتشارات آسیم، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
- حاجی احمدی همدانی، آ.، ماجدی، ح. و جهانشاهلو، ل. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیرگذار برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری، مطالعه موردی: محله پونک (۲۰ متری گلستان) شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۴ (۴): ۴۷-۶۰.
- حبیبی، م. و علی پور شجاعی، ف. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان (نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران). نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۲۰ (۱): ۱۷-۳۰.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آ. (۱۳۸۸). انسان شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
- رضازاده، ر. و محمدی، م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری. هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۳۸ (۳): ۱۰۵-۱۱۴.
- رفیعیان، م.، سیفایی، م. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۲۳ (۲): ۳۵-۴۲.
- رفیعیان، م.، رضازاده، ر.، سیفایی، م. و احمدوند، ی. (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) (مورد پژوهی میدان نبوت تهران). نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، دوره ۱ (۱): ۳۷-۵۴.
- رهنمایی، م.، اشرفی، ی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری. جغرافیا (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، ۵ (۱۴ و ۱۵): ۲۳-۴۶.

- سرخوش، ن. (۱۳۹۲). نگاهی به مفهوم امر متعال در اندیشه هانا آرنست و فمینیسم. دوفصلنامه فلسفی شناخت، (۶۸/۱): ۹۱-۱۰۸.
- عمید، ج. (۱۳۷۵). فرهنگ معین. تهران: زرین.
- فریدطهرانی، س. (۱۳۹۰). ترس در فضاهای شهری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قرائی، ف. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و زیبایی شناختی و تأثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر. مقاله‌های اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران: ۶۸-۱۱.
- کارگر، ط. و قره بگلو، م. (۱۳۹۴). راز ماندگاری پیاد راه جلفای اصفهان به عنوان مکان سوم. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز.
- کاظمی، م.، حبیب، ف. و اسلامی، س.غ. (۱۳۹۳). رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۶ (۱): ۵۷۹-۵۶۹.
- لنگ، ج. (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مجد، م. (۱۳۸۵). انسان در دو جلوه: روانشناسی زن و مرد. تهران: مکیال.
- مدنی پور، ع. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوربان. تهران: دانشگاه تهران.
- معین، م. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مکنزی، ف. (۱۳۵۹). سفرنامه شمال: گزارش چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: نشر گستره.
- ورنون، ا. (۱۹۶۲). روانشناسی احساس و ادراک. ترجمه علی پورمقدس. اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۶۷.
- یگانه، م.، بمانیان، م.، عینی فر، ع. و انصاری، م. (۱۳۹۳). تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهر؛ مطالعه موردی: خیابان ولیعصر تهران. نشریه علمی پژوهشی هویت شهر، (۱۹): ۵-۱۸.
- Altman, I. (1973). Reciprocity of interpersonal exchange. *Journal for the Theory of Social Behaviour*.
- Beebejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Bell, Paul A., Greene, Thomas C., Fisher, Jeffrey D. & Baum, Andrew S. (1996). *Environmental Psychology*, 4th edition, Harcourt Brace College Publishers, Fort Worth.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places Urban Spaces*, Architectural press, Amsterdam & others.
- Dubos, R. (1965). *Man adapting*. New Haven : Yale university press.
- Johnson, A. M., & Miles, R. (2014). Toward more inclusive public spaces: Learning from the everyday experiences of Muslim Arab women in New York City. *Environment and planning A*, 46, 5-14.
- Lipton, S. (2003). The value of public space :How high quality parks and public spaces create economic, social and environmental value. Available from www.cabespace.org.uk.
- Mehta, V., & Bosson, J. K. (2010). Third places and the social life of streets. *Environment and behavior*, 42(6), 779-805.
- Mazingo, L. (1989). Women and Downtown open spaces. *Places*, 6 (1), 38-47.

- Oldenburg, R. (1989). *The great good place: Cafés, coffee shops, community centers, beauty parlors, general stores, bars, hangouts, and how they get you through the day* (p. ix xv). New York: Paragon House..
- Sweet, E. L., & Ortiz Escalante, S. (2015). Bringing bodies into planning: Visceral methods, fear and gender violence. *Urban Studies*, 52(10), 1826-1845.
- Vaiou, D., & Lykogianni, R. (2006). Women, neighbourhoods and everyday life. *Urban Studies*, 43(4), 731-743.
- Walzer, M. (1986). Public space-pleasures and costs of urbanity. *Dissent*, 33(4), 470-475.
- Whyte, W. H. (1980). The social life of small urban spaces.

Semi-private Territories and presence of women in informal communal spaces (Case Study: Rasht Shahr-dari Square & The Area around Lahijan Lake)

Fatemeh Samipour, Ph.D. Student, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
Mostafa Pourali*, Assistant Professor, Department of Architecture, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

Marzieh Kazemzadeh, Assistant Professor, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Received: 2021/6/30

Accepted: 2022/2/23

Introduction: A presentable place for women is a place that is socially acceptable for them to be present in. Women's attendance in public spaces and communities has increased in recent years because of lifestyle changes and cultural shifts. However, there are a variety of issues that limit women's social participation in public spaces. One factor limiting women's social involvement is that public spaces are not organized or designed with women's demands, social aspects, or behaviors. This research aims to achieve indices and characteristics in public spaces that reflect women's demands and behaviors to make the spaces more appealing to them.

Method: After performing document studies and forming the literature of study, field studies and data collection techniques based on qualitative research methods, such as in-depth interviews, participant observation, and the grounded method, were used to meet research objectives. The views and behaviors of different women regarding spatial indices affecting their presence in communal spaces were assessed to prove the concept explained in this article, and discussions with participants were conducted in two public spaces in Rasht Shahr-dari Square and the area around Lahijan Lake to validate the theory. I also done data analysis as coding.

Results: Analyzing the results presents the concept of "semi-private territory." Semi-private territories have unique characteristics that make them appealing to women, such as reduced exposure, privacy, and warmth. They have some characteristics of private territories and some similarities to private spaces, although they are in a public field. They are not entirely open to the public eye.

Conclusion: While the findings support the listed characteristics, they also indicate that semi-private territories in relation to women's behavioral characteristics and territorial behavior impact the promotion of women's presence in informal common spaces. As a result, by designing and considering such locations in public spaces, it is possible to boost women's willingness to join these spaces and lay the groundwork for their increased presence there.

Keywords: Communal space, Third place, Presence of women, Semi-private Territory

* Corresponding Author's E-mail: pouralii.mostafa@yahoo.com